

« پانزدهمین شرح از دعای ابوحمزه ثمالی »



گر چه همواره راه نیایش عبد و مولا باز است، ولی برای زمان مشخص مانند ماه مبارک رمضان که عید اولیای الهی است، فضیلت مخصوص است...

در نوبت قبل اشاره شد که وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه حال نیایشگر را چنان ترسیم می‌کند که دعا کننده عرض می‌کند: پروردگارا! من نه تنها تو را معصیت کردم در حالیکه به جلال و عظمت تو آگاه بودم، و برای معصیت رشوه می‌دادم، هم از پرداخت رشوه‌های سنگین دریغی نداشتم.
در نسخه‌ای که آمده است:

"و أُعْطِيتُ عَلَى مَعْصِيَةِ الْجَلِيلِ الرَّشِي."

نیایشگر اعتراف می‌کند که خدایا! من نه تنها معصیت می‌کردم، بلکه برای پرداخت معصیت، مقدمات معصیت را هم فراهم می‌کردم، یعنی رشوه می‌دادم تا گناه کنم؛ این نهایت فرومایگی را می‌رساند.

آنگاه عرض می‌کند:

"لَئِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَعَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِفْوَتِي"

ذات اقدس إله! من در تمام این تبهکاری‌ها روی لجاج و عناد نبود، روی ضعف بود. در جبهه جهاد درونی وقتی شهوت بر عقل غالب بشود یا غضب بر عقل غالب بشود، روی بیان نورانی امیرالمؤمنین سلام الله علیه که فرمود: كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ هَوَىِّ أَمِيرٍ (2) یعنی در جهاد درونی گاهی هوس امیر می‌شود و عقل اسیر، من عقلام امیر هوس شد! وقتی اسیرانه زندگی کردم، قهراً تن به تباهی دادم و برای این تباهی هم غرامت‌های سنگینی ارانه کردم.

آنگاه نوبت به (تسویل) می‌رسد؛ وجود مبارک امام سجاد سلام الله علیه در این قسمت يك روانشناسی حکیمانه‌ای را ارائه می‌کند تا انسان نفس خود را و شئون و شعب نفس را بشناسد و بداند هر پیشنهادی که در محضر او ارائه می‌شود از کدام شأن از شئون نفس است، گرچه نفس فی وَحْدَتِهَا كُلُّ الْأَوْسِ است.

خلاصه آن تحلیل این است که انسان گرچه دارای شئون گوناگونی است، ولی اگر بتواند این شئون را رهبری کند، همه این شئون‌های ادراکی و تحریکی به امامت عقل او نماز جماعت می‌گذارند. یعنی در درون او يك قافله و يك کاروانی است به مدیریت عقل که در پیشگاه ذات اقدس إله کُرُنش می‌کنند، نماز می‌خوانند، اطاعت می‌کنند به امامت عقل. یعنی هم نیروی ادراکی او به نام حس و خیال و وهم به عقل نظری او اقتدا می‌کنند،

هم نیروی تحریکی او به نام شهوت و غضب در بخش‌های اراده و تصمیم و جزم و عزم ما و مانند آن به عقل عملی او اقتدا می‌کنند و چون حقیقت گوهر انسانی جامع عقلمن عملی و نظری است، در آن قله فرمانروایی و هرم دستور دهی و عمارت آن عقل جامع قرار می‌گیرد که جوامع کلم به همان عقل داده می‌شود. آنگاه او امامت این قافله‌های علمی و عملی را به عهده دارد، یک کاروان علم و عمل به آن قله عقل جامع اقتدا می‌کنند. چنین کسی در جهاد اکبر پیروز است.

و اگر این توفیق نصیب کسی نشد، خطر از اینجا شروع می‌شود که انسان یک خواسته‌هایی دارد. در بخش‌های وهم و خیال برخی از اندیشه‌ها نسبت به او معقول جلوه می‌کنند و در بخش‌های شهوت و غضب برخی از خواسته‌ها برای او محبوب و حق جلوه می‌کند. شیطان به کمک این خواسته‌های درونی آنچه را که مورد علاقه انسان است، گرچه زشت است او را زیبا نشان می‌دهد، آنچه مورد انزجار و نفرت انسان است، یعنی نفرت شهوت اوست، در پیشگاه شهوت او یا در پیشگاه غضب او منفور است، او را زشت نشان می‌دهد. وقتی که زیبا را زشت و زشت را زیبا نشان داد در بخش عقل نظری، حق را باطل و باطل را حق و صدق را کذب و کذب را صدق می‌پندارد. در بخش‌های حکمت عملی حسن را قبیح و قبیح را حسن تلقی می‌کند.

آنگاه یکی از شئون نفس که او نفس مسؤله نام دارد، کارش این است که اولاً بداند انسان چه چیز می‌طلبد. این شخص آیا مال دوست است، جاه دوست است، میز و پُست و مقام می‌طلبد یا در اعمال غرائض جنسی رفتار مشکلات است؛ برخی‌ها در مقام جاه زانوهای آنها می‌لرزد، برخی در مقام اعمال غرائض زانوهای آنها می‌لغزد، بعضی از نظر پول، بعضی از نظر تهدید، برخی از نظر تحبیب، بالأخره هر کسی یک نقطه ضعفی دارد؛ این شأن از شئون نفس وقتی که روان کاوی کرد، درون کاوی کرد، بررسی کرد که این انسان چه چیزی را دوست دارد و از چه چیزی می‌ترسد، آنچه را که او دوست دارد، زشت‌ترین و بدترین رخدادها را به صورت یک امر زیبایی آن شخص پسند در می‌آورد، در برابر دیدگان او مجسم می‌کند و او را زیبا نشان می‌دهد. یا یک چیزی را که زیباست، زشت نشان می‌دهد و از او دورش می‌کند. این کار به نام (تسویل) است که زشت را زیبا نشان دادن، زیبا را زشت نشان دادن، حق را باطل نشان دادن، باطل را حق نشان دادن، صدق را کذب نشان دادن، کذب را صدق نشان دادن، حسن را قبیح نشان دادن، قبیح را حسن نشان دادن، این نیرنگ کار تسویل است. نفس انسان در برابر عقل در جبهه جهاد اکبر در این بخش کارش تسویل است. وقتی که مسؤله رفتار کرد، انسان را فریب می‌دهد. وقتی فریب داد، مبتلا می‌کند به این کار. وقتی مبتلا کرد به این کار، این را حق دید و صدق دید، مکرر این را انجام می‌دهد. وقتی مکرر انجام داد، به دام اسارت همین نفس مسؤله قرار می‌گیرد. در جبهه جهاد اکبر شکست می‌خورد. وقتی شکست خورد، آن وقت اسیر می‌شود.

این است که وجود مبارک امام سجاد عرض کرد: پروردگارا! من در هیچ موردی شما را با انکار ربوبیت معصیت نکردم، بلکه

"سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَ عَلَّبَنِي هَوَانِي وَ اعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَ غَرَّنِي سِتْرَكَ الْمُرْحَى عَلَيَّ". از يك سو تو پرده‌داری کردی، پرده‌داری نکردی، من مغرور شدم. از طرفی شهوت و غضب غالب شد، من در این جهاد شکست خوردم.

همانطوری که برادران یوسف طبق بیان یعقوب سلام الله علیه سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ (3) بود، همانطوری که سامری گفت: سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي (4)؛ گاهی گوساله پرستی در اثر تسویل نفس، توحید می‌شود! گاهی برادرکشی در اثر تسویل نفس کار خوب تلقی می‌شود. این تسویل از خطرناک‌ترین مراحل نفس انسانی است در بخش جهاد اکبر. وقتی انسان گرفتار نفس مسؤله شد، به دام می‌افتد؛ وقتی دام افتاد، اسیر می‌شود.

آنگاه وجود مبارک امام سجاد عرض می‌کند: پروردگارا! من اسیر شده به دام افتاده را کی باید درمان کند.

پی‌نوشت‌ها:

1- سوره فرقان/ آیه 77

2- بحار الأنوار/ ج 66/ ص 410

3- سوره یوسف/ آیه 18 و آیه 83

4- سوره طه/ آیه 96

برگرفته از سخنان آیت الله جوادی آملی